

تکذیب ترور خلیل الحیه

در پی انتشار شایعاتی درباره ترور «خلیل الحیه» از رهبران ارشد جنبش حماس، منابع رسمی این جنبش ضمن تکذیب خبر، آن را بخشی از جنگ روانی رژیم صهیونیستی علیه مقاومت فلسطین دانستند. یک مقام مسؤول در جنبش مقاومت اسلامی حماس در گفت‌وگو با خبرنگاری فلسطینی شهاب، خبرهای منتشرشده درباره ترور خلیل الحیه، از رهبران این جنبش را تکذیب کرد و آنها را «شایعاتی دروغین» خواند که در چارچوب جنگ روانی و رسانه‌ای رژیم‌اشغالگر علیه ملت فلسطین و رهبران مقاومت منتشر می‌شود. این منبع تأکید کرد چنین تلاش‌های ناکامی هرگز نخواهد توانست اعتماد مردم به رهبران‌شان را متزلزل کند یا مواضع ثابت و استوار خلیل الحیه و همراهانش را که در مسیر طولانی مقاومت و ایستادگی شکل گرفته، از بین ببرد.

وی افزود: «شایعه، سلاح ناتوانان است و ملت ما آموخته از دل چنین حملاتی، با ثبات بیشتر و پابندی عمیق‌تر به گزینه‌های ملی خود بیرون آید».وبگاه عربی ۲۱ نیز به نقل از منابع نزدیک به جنبش حماس نوشت خبرهایی در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی درباره تلاش برای ترور الحیه در ترکیه منتشر شده که کاملاً بی‌اساس و دروغ است. طبق گزارش وبگاه عربی ۲۱، این منابع تأکید کردند چنین شایعاتی بخشی از جنگ روانی رژیم صهیونیستی برای تضعیف روحیه ملت فلسطین و ضربه زدن به جایگاه رهبران مقاومت است.

■ ■ ■

وزیر خارجه رژیم صهیونیستی:

مادچار محاصره

وانزوای سیاسی هستیم

وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در مصاحبه با وال‌استریت ژورنال، به تلاش‌های جهانی برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین پرداخت و سازمان ملل را به «سیاسی‌کردن» گزارش رسمی گرسنگی در غزه متهم کرد. گیدئون ساعر در مصاحبه با روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال که دیروز منتشر شد، به تلاش‌های جهانی برای «به رسمیت‌شناختن کشور فلسطین» پرداخت و هشدار داد این اقدام برای جنبش حماس به عنوان «دستاورد ۷۰ آکتبر (عملیات توفان الاقصی)» تلقی خواهد شد. ساعر در این مصاحبه از «مانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه به خاطر مواضعش در قبال رژیم صهیونیستی انتقاد کرد و گفت: اسرائیل بیش از چالش‌های نظامی، در حال حاضر درگیر چالش‌های سیاسی و انزوا در سطح جهان شده است. وی همچنین با حمله به کشورهای اروپایی آنها را به طردفاری از فلسطین متهم کرد و تصمیم به رسمیت شناختن فلسطین توسط انگلیس، فرانسه، کانادا و استرالیا را تهدیدی وجودی برای رژیم صهیونیستی دانست. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی همچنین به فشارهای فزاینده داخلی و بین‌المللی درباره فاجعه انسانی در نوار غزه پرداخت. او به‌رغم تأیید تشدید بحران فاجعه انسانی در غزه توسط نهادهای بین‌المللی، ادعا کرد کمک‌های دریافتی در غزه به طور قابل توجهی افزایش یافته و منجر به کاهش شدید قیمت مایحتاج اولیه در این باریکه شده است. در عین حال، ساعر در اظهاراتی بی‌اساس، سازمان ملل را به «سیاسی کاری درباره گزارش قطعی و گرسنگی در غزه» متهم کرد و به اتهام‌زنی به حماس تلاش کرد این جنبش را به طور غیرمستقیم مسؤول بروز قطعی در نوار غزه معرفی و رژیم صهیونیستی را از این امر مبرا کند. وی در گفت‌وگو با این نشریه آمریکایی با اذعان به اینکه رژیم صهیونیستی به خاطر جنگ در غزه، هزینه دیپلماتیک سنگینی می‌پردازد، درباره مذاکرات آتش‌بس در غزه اظهار کرد توافق باید خلع سلاح حماس را تضمین کند و ۷ اکتبر دیگری برای اسرائیل اتفاق نیفتد. وی طرح به رسمیت‌شناختن کشور فلسطین را مانند خودکشی برای اسرائیل دانست و تأکید کرد رژیم صهیونیستی نمی‌تواند نسبت به این امر سکوت کند.

با ادامه جنگ غزه و افزایش شمار قربانیان، فشارها علیه تل‌آویو ابعد تازه‌ای یافته است و بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپایی، وضعیت کنونی غزه را بحرانی بی‌سابقه توصیف کرده‌اند؛ مسأله‌ای که می‌تواند رژیم صهیونیستی را در عمیق‌ترین بحران مشروعیت و انزوای جهانی گرفتار کند. همزمان بیش از ۱۲ کشور، از جمله بریتانیا، فرانسه، کانادا و استرالیا اعلام کرده‌اند در نشست‌های آینده سازمان ملل برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین اقدام خواهند کرد.

■ ■ ■

ارائه خدمات به اتباع ایرانی در استرالیا با قوت ادامه دارد

بخش کنسولی سفارت ایران در استرالیا در اطلاعیه‌ای اعلام کرد ارائه خدمات به اتباع ایرانی و خارجی با قوت و البته با کمی تأخیر انجام می‌شود. در این اطلاعیه آمده است: نظر به بروز برخی تحولات پیش‌بینی نشده، ارائه خدمات کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در کانبرا به اتباع ایرانی و خارجی، با قوت و البته با کمی تأخیر انجام خواهد شد. در ادامه این اطلاعیه ذکر شده: بدیهی است تمام سعی ما در جهت ارائه خدمات بهتر در بازه زمانی مناسب است. به یقین در این شرایط، نیازمند همراهی هموطنان گرامی ساکن در استرالیا هستیم.

آنتونی آلبانیزی، نخست‌وزیر استرالیا روز سه‌شنبه ایران را به هدایت حداقل ۲ حمله پهلودستیازنه در استرالیا متهم کرد. آلبانیزی بدون ارائه سند و مدرکی مدعی شد سرویس‌های اطلاعاتی استرالیا، ایران را به حملات در یک رستوران در سیدنی و یک کتسبه در ملبورن مرتبط کرده‌اند. همچنین کمی پیش از این اطلاعیه، دولت استرالیا به سفیر ایران در استرالیا اطلاع داد و «خراج» خواهد شد. آلبانیزی گفت همچنین دیپلمات‌های استرالیایی مستقر در ایران را به یک کشور ثالث منتقل می‌کند. بااین حال، پنی وانگ، وزیر خارجه استرالیا گفت کانبرا برای پیشبرد منافع استرالیایی‌ها روابط دیپلماتیک با ایران را حفظ خواهد کرد.



تکمیل نشده باشد. در نهایت نیز مساله مرز ایران –ارمنستان که خط قرمز تعیین‌شده از سوی مقام معظم رهبری است. حتی اگر ورژن جدید «جاده»، قطع مرز را هدف نگیرد، ترس بازگشت‌پذیری به ادبیات «کریدور» و فشارهای آتی برای ترتیبات فراتر از حق حاکمیت، زمینه بدبینی در تهران را باید تزئیده کند.

■ **اشاره فریبنده به کریدور ارس توسط علی‌اف**

علی‌اف در این مصاحبه همچنین گفت در ۵ سالی که ارمنستان مانع زنگزور بود، با تهران را سر مسیر جایگزین در خاک ایران توافق شده که به «کریدور ارس» معروف است. وی افزود: ساخت پل روی رود ارس، اتصال حدود ۴۰ کیلومتر مسیر در خاک ایران برای پیوند دوباره با نخجوان و - در صورت تکمیل ریل در سمت ایران - انتقال بخشی از بار از این محور در دستور کار ۲ طرف است. روی کاغذ مزیت کلیدی این طرح برای تهران، کنترل کامل حاکمیتی و قضایی ایران بر زیرساخت و عبور و مرور است؛ نقطه‌ای که آن را از نسخه‌های حساسیت‌برانگیز «زنگزور» متمایز می‌کند اما در عمل پیگیری زنگزور توسط باکو، ترکیه و آمریکا نشان دهنده از دور خارج شدن این مسیر و تکرار تجربه اخراج ایران از کنسرسیون نفت دریای خزر است که در دهه ۹۰ میلادی رخ داد. اکنون نیز مساله گسترش نفوذ ناتو در مرزهای شمال غربی کشورمان در لایه امنیتی و محروم شدن شمال غرب کشور از مسیرهای تجارت، تهدیداتی است که کریدور زنگزور به همراه آورده است؛ تهدیداتی که نباید در وعده‌های مبهم مانند مسیر ارس کوچک شمرده شود، زیرا در وهله نخست آسیب‌های آن متوجه شهرهای شمال غرب کشور بویژه تبریز خواهد شد.

■ **شمال – جنوب: کمک با رقابت پنهان؟**

علی‌اف همچنین در این مصاحبه مدعی بود کریدور شمال – جنوب «کاملاً» در خاک آذربایجان برقرار شده و تنها ۱۵۰ کیلومتر» در ایران ناقص مانده و تکمیل آنها «چند سال» زمان می‌برد. وی با این ادعا توپ را در زمین ایران انداخت و اعلام کرد: زنگزور می‌تواند مسیر دوم شمال –

تاکتیکی می‌دانند؛ کاهش بار فرامرزی کلمه «کریدور» برای کاستن از حساسیت تهران و ایروان. از منظر حقوقی، تفاوت میان «کریدور با ترتیبات فراملی» و «جاده تحت حاکمیت کشور میزبان (ارمنستان)» تعیین‌کننده است؛ اولی می‌تواند محدودکننده حاکمیت باشد، دومی -اگر با کنترل مرزی و قضایی کامل ارمنستان اجرا شود - از خطوط قرمز ایران و ارمنستان فاصله می‌گیرد اما این بازی با واژگان و اصطلاحات را باید با دیده تردید دنبال کرد و مراقب آن بود.

■ **چرا به ادعاهای علی‌اف باید با احتیاط نگریست؟**

در وهله نخست سابقه مطالبه فرامرزی در سال‌های گذشته و ارائه‌های رسمی و غیررسمی از «کریدور زنگزور» گاه شائبه ترتیبات ویژه عبور و مرور بدون کنترل مرزی ارمنی را ایجاد کرده بود. تجربه همین پرونده است که در تهران حساسیت ایجاد کرده و نه صرفاً نام جدید این مسیر و سپس، ابهام در داده هر حضور خارجی -نظامی/امنیتی- یسانه‌ای -در این شریان‌ها تبعات منفی برای صلح و ثبات دارد. اگرچه علی‌اف تهدید را نفی می‌کند اما درباره مدل امنیت مسیر، بازیگران ثالث و رژیم‌های نظارتی شفاف‌سازی کامل نمی‌کند. پس از آن نیز ادعای «می‌توانستیم در نوامبر ۲۰۲۵ انجام دهیم» علی‌اف. این گزاره نادیده‌گرفتن مجموعه‌ای از موانع عملی - از ترتیبات پساجنگ و تعهدات توافقات آتش‌بس تا حضور بازیگران منطقه‌ای - است. اگر «توان نظامی» شرط کافی بود، چرا گزینه پرهزینه نظامی باکو جایگزین مسیرهای دیپلماتیک‌نشد؟

علاوه بر موارد بالا پیوند با کریدور شمال – جنوب نیز حساسیت‌برانگیز است. علی‌اف می‌گوید زنگزور به شمال – جنوب «کمک» می‌کند و حتی مسیر دوم شمال – جنوب خواهد بود اما در زاویه رقابت ژئواقتصادی، تکتک مسیرها لزوماً «برد – برد» نیست؛ می‌تواند به پاره‌پاره شدن جریان بار، تغییر کانون‌های ارزش‌افزوده و تقویت انحصار هاب‌های خاص منجر شود؛ بویژه اگر ظرفیت‌های ایران در مسیر اصلی هنوز

رئیس‌جمهور جمهوری باکو در گفت‌وگویی با شبکه‌العربیه ضمن تعریف و تمجید از روابط شخصی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، از «کریدور زنگزور» یا آنچه در توافقات اخیر کاخ سفید «مسیر ترامپ» خوانده شده سخن گفت و تأکید کرد این مسیر نه تهدیدی برای ایران دارد و نه قصد قطع مرز ایران –ارمنستان در کار است. الهام علی‌اف همزمان از گزینه جایگزینی به نام «کریدور ارس» در خاک ایران و پیوند این مسیرها با کریدور شمال – جنوب گفت. با این همه، شواهد میدانی، سوابق حقوقی و محاسبات ژئوپلیتیک منطقه، جملات مطمئن علی‌اف را در حاله‌ای از تردید فرومی‌برد.

■ **«او هم خون است» نشانه‌شناسی یک لحن**

علی‌اف در توصیف رابطه با مسعود پزشکیان از واژه‌هایی چون «هم‌خون» و «هم‌زبان» بهره برد. وی در این مصاحبه گفت: «روابط کاری بسیار خوبی برقرار کرده‌ایم... او حتی اصالت آذربایجانی دارد. نیازی به مترجم نداریم». این انتخاب واژگان، در عین گرم‌نمایی، سلب روابط، حامل پیام سیاسی است؛ شخصی‌سازی روابط برای پیشبرد پروژه‌ای که در تهران همچنان حساسیت‌برانگیز تلقی می‌شود. علی‌اف ریاست‌جمهوری پزشکیان را «فرصتی خوب» دانست و گفت روابط ۲ دولت «سازنده و دوستانه» پیش می‌رود؛ با این حال تصریح کرد موضع رسمی ایران - به روایت رئیس‌جمهور و وزیر خارجه - «منطقی و مثبت» است و نظر «مقامات سابق مشاور» اهمیتی ندارد. این سخن تحریک‌آمیز علی‌اف اشاره‌ای به مواضع علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری درباره کریدور زنگزور داشت.

■ **«کریدور زنگزور» یا «مسیر ترامپ»؟ از کلمه‌ها تا کدها**

در پی اعلام توافقی در واشگتن که در رسانه‌ها به «مسیر ترامپ» معروف شد، باکو می‌گوید گروه زنگزور کشوده می‌شود. منتقدان، تغییر واژگان از «کریدور» به «مسیر/ جاده» را

رمان مشهور «آمریکایی زشت» که سال ۱۹۵۸ منتشر شد، تصویری هشداردهنده از دیپلماسی متکبرانه و ناآگاهانه ایالات

متحده در آسیا ارائه می‌داد. نویسندگان کتاب نشان دادند چگونه دیپلمات‌ها و مأموران آمریکایی به ظاهری پر زرق و برق اما بی‌ارتباط با واقعیت مردم محلی، نه‌تنها نفوذی به دست نمی‌آورند، بلکه زمینه شکست سیاست خارجی آمریکا را فراهم می‌کنند. تنها استثنا در داستان، شخصیتی بود که ظاهری ناخوشایند اما رفتاری صادقانه و فروتنانه داشت و به همین دلیل توانست اعتماد مردم را جلب کند.

اکنون، دهه‌ها پس از انتشار آن رمان، همان الگوی «آمریکایی زشت» را می‌توان در رفتار برخی چهره‌های سیاسی و اقتصادی معاصر آمریکا در لبنان دید. برخوردهای توماس باراک و مورگان اورنگاس با جامعه لبنانی، نمونه‌ای روشن از همان نگاه از بالا به پایین، بی‌توجهی به حساسیت‌های محلی و تلاش برای قالب‌کردن نسخه‌های آماده واشگتن بر شرایط پیچیده لبنان است. درست همان گونه که لدرر و بردیک هشدار داده بودند، چنین رفتاری نه‌تنها به بهبود روابط نمی‌انجامد، بلکه شکاف بی‌اعتمادی را عمیق‌تر می‌کند. پیش از این مورگان اورنگاس با پاسخی زننده و خارج از ادب دیپلماتیک به موضع‌گیری ولید جنبلاط در قبال طرح دولت ترامپ برای خلع سلاح حزب‌الله، وی را به اعتیاد و مصرف مواد مخدر متهم کرده بود و جنبلاط نیز در پاسخ، وی را «آمریکایی زشت» خطاب کرد که اشاره به همین رمان داشت.

اخیراً نیز توماس باراک، فرستاده ویژهٔ ایالات متحده در خاورمیانه و سفیر آمریکا در ترکیه، در نشست مطبوعاتی در لبنان رفتار جنجالی‌برانگیزی با خبرنگاران لبنانی داشت که واکنش‌های گسترده‌ای را در این کشور به دنبال داشت. در

تحقیر، تکبر و ناآشنایی؛ ۳ ضلع رفتار دیپلمات‌های آمریکایی‌ها در لبنان

آمریکایی‌های زشت در لبنان



نشست که پس از دیدار وی با جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان برگزار شد، باراک از خبرنگاران خواست «رفتار متمدانه» داشته باشند و حتی از آنها خواست «حیوان‌صفت» رفتار نکنند.

وی هشدار داد اگر جلسه تبدیل به هرج و مرج شود، آنها (تیم دیپلماتیک آمریکا) جلسه‌را ترک خواهند کرد.

این اظهارات باراک با واکنش تند اتحادیه خبرنگاران لبنان و سایر نهادهای رسانه‌ای مواجه شد. اتحادیه خبرنگاران این

صحبت‌ها را «هماد تکبر غیرقابل قبول» در برخورد با رسانه‌ها و نوعی «بی‌احترامی ضمنی به ذات کار خبرنگاری» توصیف کرد و خواستار عذرخواهی رسمی از سوی باراک و وزارت خارجه آمریکا شد. آنها هشدار دادند در صورت عدم عذرخواهی، امکان تحریم جلسات و ملاقات‌های وی توسط رسانه‌های لبنان و جهان عرب وجود خواهد داشت. دفتر ریاست جمهوری لبنان نیز بیانه‌ای صادر کرد و ضمن ابراز تأسف از این اظهارات که «از

[نفوسفر فرستاده آمریکا به جنوب لبنان در پی اعتراضات مردمی]

فرستاده آمریکا، «توماس باراک» سفر خود به شهرهای الخیام و صور در جنوب لبنان را به دلیل اعتراضات علیه وی لغو کرد. خبرگزاری لبنان گزارش داد ساکنان منطقه الخیام در جنوب لبنان تجمع اعتراضی علیه سفر فرستاده آمریکا به این منطقه برگزار کرده و سیاست‌های جانبدارانه آمریکا را محکوم کردند. ساکنان این منطقه پرچم‌های حزب‌الله و تصاویری از قربانیان حملات رژیم صهیونیستی را در دست گرفته و عبارتی‌هایی روی خیابان همچون «اسرائیل شر مطلق است» و «آمریکا شیطان بزرگ است»، نوشتند. منابع خبری گزارش داده بودند توماس باراک وارد یک پادگان نظامی از تش لبنان در مرجعین واقع در جنوب لبنان شده بود و قرار بود از روستاهای منطقه بازدید کند اما به دلیل اعتراضات سفرش به ۲ شهر الخیام و صور لغو شد.

سایه بی‌اعتمادی بر روابط کپنهاگ – واشگتن

پس از افشای عملیات نفوذی مر تبط با مقامات آمریکا

جاسوسی در گرینلند



این کشور موضوع را بسیار جدی گرفته است.

■ **واکنش‌های رسمی مقامات دانمارک و آمریکا**

لارس لوکه راسموسن، وزیر خارجه دانمارک ضمن اعلام نگرانی شدید از این موارد گفت دولتش پاسخگویی مناسبی را از سوی مقامات آمریکایی طلب کرده است. منته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک نیز به وضوح اعلام کرد نمی‌توان به متحدی پشت و جاسوسی کرد و چنین اقداماتی برای روابط ۲ کشور بحران‌ساز خواهد بود. در مقابل، دفتر مدیر سازمان اطلاعات ملی آمریکا، صادرکننده فرمان‌های جمع‌آوری اطلاعات، مدعی شد افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به تضعیف امنیت

ملی ایالات متحده منجر می‌شود و افرادی که این اطلاعات را افش می‌کنند، مسؤول

شناخته خواهند شد.

■ **اهمیت ژئوپلیتیک گرینلند**

گرینلند با منابع طبیعی حیاتی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود در قطب شمال، زمینه‌ای را برای رقابت قدرت‌های جهانی حول منابع معدنی، مسیرهای انرژی و حمل‌ونقل فراهم کرده است.

ذوب شدن یخ‌های قطبی باعث افزایش امکان دسترسی و استخراج این منابع شده و در نتیجه بر اهمیت امنیت و کنترل منطقه افزوده است. در این شرایط، مناقشه دانمارک و آمریکا بر سر گرینلند نمود بارز رقابت‌های استراتژیک امنیتی جدید در منطقه قطب شمال است. احضار سفیر آمریکا به دلیل نگرانی‌های مربوط به جاسوسی و نفوذ در قلمرو دانمارک، نشانه‌ای از تشدید فضای بی‌اعتمادی میان ۲ متحد نزدیک است.

این حادثه تأکید می‌کند ملاحظات امنیتی و حاکمیتی در مناطق حساس ژئوپلیتیک می‌تواند به تنش‌های دیپلماتیک منجر شود و حفظ استقلال و احترام متقابل برای کشورهای دارنده قلمروهای خاص همچون گرینلند، ضروری است. دانمارک بر این باور است گرینلند نه‌تنها بخشی از خاک آن است، بلکه هیچ کشوری نباید بدون رضایت کامل آنان در امور آن دخالت کند یا نفوذ داشته باشد. در نتیجه این تحولات، روابط دانمارک و آمریکا در آینده نزدیک زیر دره‌بین دیپلماتیک و امنیتی قرار خواهد داشت و احتمالاً مذاکرات و تنش‌های بیشتری حول مساله گرینلند شکل خواهد گرفت.